

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه نمل (جله دهم)

جله خانوادگی - استاد اخوت ۱۳۵/۰۵/۹۶

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

طَسَّ تِلْكَ اٰیٰتُ الْقُرْءَانِ وَكِتَابٍ مُّبِیْنٍ (۱)

هُدًى وَبُشْرٰی لِلْمُؤْمِنِیْنَ (۲)

الَّذِیْنَ یَقِیْمُوْنَ الصَّلٰوةَ وَیُؤْتُوْنَ الزَّكٰوةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ یُوقِنُوْنَ (۳)

به این نیت که ایام، اوقات و میادین زندگی ما به شب قدر، امام شب قدر که حضرت حجت (عج) الله تعالی فرجه الشریف) هستند و باطن شب قدر که حضرت صدیقه کبری (علیها السلام) هستند، متصل شود، صلواتی ختم بفرمایید.

برای این که حضور ما در این جلسه در حکم زیارت حضرت ثامن الحجج (علیه السلام) محسوب شود و به همه مواهب و خیرات عالم دست یابیم، صلواتی بفرستید

برای این که هیچ گاه توجه ما از حضرت حجت (عج) الله تعالی فرجه الشریف) و امام عصرمان برنگردد و به چیزهای دیگر معطوف نشود، صلواتی بفرستید.

پیرامون سوره مبارکه نمل نکاتی نظیر آخرت، تزئین عمل، تبدیل ظلم به حسن، استیقان و... مطرح شد. جلسه گذشته در رابطه با تزئین عمل صحبت شد و به آیات زیر رسیدیم.

وَجَدْتُهُمْ وَ قَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ (۲۴)

انسان اگر هر عمل اشتباهی را انجام بدهد، مسلماً تزئین عملی در پشت آن عمل اشتباه وجود دارد. انسان در واقع به نوعی توجیهی برای آن عمل اشتباه پیدا می کند و برعکس هر گاه دچار توجیه شدیم بدانیم که در واقع در حال انجام عمل اشتباهی هستیم.

تزئینات نوعاً القایی هستند و در برابر حوادث بیرونی اتفاق می افتند. در بعضی از آیات زینت به تنهایی و در بعضی دیگر، زینت در همراهی با شیطان بیان شده است. زمانی که در آیه ذکر می شود که «زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ» بدین معنی است که زینت یک القاء کننده بیرونی دارد. شیطان همه آن مواردی است که در انسان اغوا و انحراف ایجاد می کند، حال ممکن است از جنس جن باشد یا غیر از آن. تزئین نوعاً در مواجهه با رخداد بیرونی برای فرد اتفاق می افتد. در هر تزئین عملی حتماً اعراضی از سبیل حق وجود دارد و فرد مسیر فطری ساده‌ی حق را کتمان می کند. خیلی از مواجهات ذاتاً تزئین برانگیز هستند، مثلاً ارتباط با بعضی افراد یا شرکت در بعضی مجالس به طور طبیعی تزئین - برانگیز است. این نکته در رابطه با الهام نیز وجود دارد، بدین معنی که حضور در بعضی مکان‌ها نظیر حرم امام رضا (علیه السلام) ذاتاً محل الهامات الهی می باشد. پس بسیاری از مواجهات به طور طبیعی سدّ سبیل دارند یعنی انسان در اثر تزئین، کار فطری ساده و سهل را انجام نمی دهد و به دنبال انجام کارهای سخت می رود! در واقع وظیفه تزئین، تعویض یک کار ساده‌ی فطری با یک امر دشوار غیر فطری می باشد. پس نباید در محل‌هایی که پر از القائات منفی است، تردد کنیم و برعکس خوب است که در محل‌های سرشار از القائات مثبت و الهام تردد نماییم.

ممکن است همه ما این تجربه را داشته باشیم که پس از معاشرت با بعضی افراد و دوستانمان حتماً دچار خطا، غیبت و... می شویم. برای مثال شرایط عصبانیت حتماً تزئین برانگیز است پس نباید خود را در چنین شرایطی قرار بدهیم. اختلافات خانوادگی اکثراً در موقعیت‌های خاصی نظیر زمان خستگی اتفاق می افتند. ساعت ده شب به بعد که زن و مرد دچار خستگی و کسالت هستند، شیطان مداخله کرده، تزئین اتفاق افتاده و منجر به مشاجره می شود. در مقابل هیچ گاه زن و مردی بعد از نماز صبح بحث و مشاجره نخواهند کرد چراکه آن زمان محل القائات مثبت می باشد. اساساً بعضی جرم‌ها در بعضی زمان‌ها نظیر بین الطلوعین اتفاق نمی افتد زیرا محل رزق الهی است. برای تمرین می توان بحث‌های مهم خانوادگی را بعد از نماز صبح انجام داد.

اگر در مواجهه با یک رخداد اغواء اتفاق بیفتد، آن رخداد شیطان نام می‌گیرد. شیطان یک شخص بیرونی نیست بلکه نفس اغواءکنندگی یک رخداد می‌باشد. شیطان مفهومی اعم از ابلیس است. ابلیس جنس، شخص و هویت دارد اما شیطان می‌تواند جن، انس و نفس عمل باشد. پس در هر تزئینی، شیطان و مواجهه و القائات بیرونی وجود دارد. گفته شد که در تزئین، سدّ سیل وجود دارد یعنی فرد به سادگی از انجام کارهای آسان خودداری کرده و به انجام امور مشکل می‌پردازد. برای مثال در فطرت انسان، راست گفتن آسان و دروغ سخت است اما زینت، این‌ها را جابجا می‌کند و این همان سدّ سیل است و به معنی حاکمیت غیر عقل می‌باشد. اگر فرد دچار تزئین نباشد، باید بمیرد تا دچار گناهی بشود.

نکته چهارم که در مورد «فهم لا یهدون» می‌باشد بدین معنی است که آن سمت هدایت، ضلالت است. ثمره تزئین ضلالت و گمراهی خواهد بود. اگر کسی دچار تزئین عمل شود، به طور طبیعی حل مسائل برایش سخت‌تر خواهد شد و دچار سرگردانی می‌شود. اگر انسانی در رابطه با مسئله‌ای دچار گره‌های ناگشودنی شود یعنی در دام تزئین گرفتار است. مشخصه‌ی عدم تزئین، هدایت و در سیل ماندن است و برعکس نشانه‌ی تزئین، سرگردانی و طلب کمک مداوم از سایرین برای حل مشکلات است. اگرچه مشاوره به خودی خود امری پسندیده است اما اگر فرد مرتب برای حل مشکل به دنبال مشاوره باشد، نشانه خوبی نیست. شروع تزئین با مواجهه می‌باشد، یعنی فرد در مواجهه با یک رویداد به جای مراجعه به امر خدا، دچار القائات محیطی نظیر حرف مردم و... بشود و دلایل موجه برای ردّ امر خدا پیدا کند!

یکی از راه‌های ممانعت از این امر، شناسایی محل‌های مواجهه درست و نادرست و اعراض از محل‌های نادرست است. مثلاً اگر فردی با رفتن به بازار دچار حبّ دنیا و دگرگونی حال می‌شود، بهتر است از آن دوری کند. هر فردی می‌داند در چه محل‌هایی تحریک می‌شود، پس باید از آن دوری نماید. انسان باید در درون خود نسبت به بعضی مسائل راحت باشد و در عوض نسبت به بعضی از مسائل بسیار حساس باشد. برای مثال ممکن است فرد خسته باشد پس نیاز نیست لزوماً نماز شب را ادا کند اما زمانی که بحث حق مردم می‌شود، باید بسیار حساس باشد.

در روایات آورده شده که هنگامی که همه مردم به سمت مستحبات می‌روند، شما در ادای واجبات بکوشید. گاه‌ها مستحبات هاله‌ای از توجیهاات را برای فرد ایجاد می‌کند. بعضی از علماء اگر مثلاً نماز شب‌شان قضا شود به دنبال اشتباهی که در طی روز در حق مردم کرده‌اند می‌گردند و آنرا اصلاح می‌نمایند.

وَجَدْتُهُمْ وَ قَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ (٢٤)
 أَلَا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبَاءَ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ يَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَ مَا تُعْلِنُونَ (٢٥)
 اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (٢٦)
 قَالَ سَنَنْظُرُ أَ صَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ (٢٧)
 أَذْهَبَ بِكُتُبِي هَذَا فَالْقَهْ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّى عَنْهُمْ فَانظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ (٢٨)
 قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوْا إِنِّي أَتِيَّتْ إِلَى كِتَابٍ كَرِيمٍ (٢٩)
 إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَ إِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ (٣٠)
 أَلَا تَعْلَمُونَ عَلَى وَ أُنزِلَ مُسْلِمِينَ (٣١)

خداوند به حضرت سلیمان (علیه السلام) خبر دهد. آیهی بیست و چهار در واقع سیستم آموزشی حضرت سلیمان (علیه السلام) به هدهد است.

این سوره دارای دو «بسم الله الرحمن الرحيم» است، پس رحمت رحمانیه و رحیمیه در این سوره فوران می کند. در واقع نامه آورده شده در این سوره با «بسم الله الرحمن الرحيم» آغاز شده است و روح جاری حاکم بر این نامه، مطابق با مضمون «بسم الله الرحمن الرحيم» بوده است. ممکن است که نامه حضرت سلیمان (علیه السلام) مفصل تر از آنچه که در این سوره ارائه شده، باشد و در واقع احکام آن در این سوره بیان شده است. این احکام و روح جاری همان «ألا تعلوا علی» می باشد. این آیه مفهوم آیهی ١٤ را برای ما متذکر می شود که می فرماید:

وَ جَحَدُوا بِهَا وَ اسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَ عُلُوًّا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ (١٤)

همانطور که علو به معنی بلند مرتبه دانستن خود، زیر بار نرفتن، لجبازی، کبر و... در برابر حق است و منجر به انکار آیات و افساد در زمین می شود، متقابلاً «بسم الله الرحمن الرحيم» و علو نکردن، انسان را به عدم جحد نسبت به آیات، تسلیم و اسلام هدایت می کند. اگر هر فرد در سیستم خود دقت نماید خواهد دید که گاهی نسبت به مسائلی دچار موضع گیری، علو و تکبر است. مثلاً گاهی در برابر شنیدن سخنانی یک فرد موضع می گیریم و می گوئیم من اصلاً این فرد را قبول ندارم یا من به هیچ وجه نزد مشاور نمی روم و... . موضع گیری های از روی علو برای انسان تزئین عمل به بار می آورد، به این صورت که فرد احساس می کند در زمینه ای تسلط دارد و لزومی برای آموختن آن نمی بیند.

انسانی که چیزی را نمی‌داند اما احساس علو و بی‌نیازی نسبت به آن کند، در جهل مرکب می‌ماند. علو از انسان یک جزیره می‌سازد که خود را از بقیه جامعه منزوی می‌کند. گفته می‌شود که قرائت و حفظ نمودن این آیات آسیب علو را در زندگی کم می‌کند.

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوْا أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُوْنَ (۳۲)

این آیه از جهت مسائل حکومت‌داری بسیار مهم است. در واقع این آیه بیان می‌کند که بانو بلقیس چون علو نداشت، هدایت به او روی کرد. این نکته نشان می‌دهد که انسان‌هایی هم که در بلاد کفر هستند، اگر قواعدی را رعایت کنند در مسیر هدایت قرار خواهند گرفت و بر اساس آیه «إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَى» هدایت می‌شوند. برعکس انسان‌هایی که در بلاد اسلامی هستند اگر این قواعد را رعایت نکنند، دچار ضلالت خواهند بود. این قواعد همان عدم انجام ظلم و علو است. این قواعد چون مفاهیم عقلی و فطری هستند پس بین‌المللی بوده و مختص کشورهای اسلامی نمی‌باشند. ظلم یعنی تعدی کردن به دیگران و علو به معنی منعطف نبودن در برابر نظرات کارشناسانه است.

قَالُوْا نَحْنُ أَوْلُوْا قُوَّةً وَأَوْلُوْا بِأَسْسِدِيْدٍ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانظُرِي مَاذَا تَأْمُرِيْنَ (۳۳)

ادب بانو بلقیس به زیر دستانش هم سرایت کرده است.

قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوْكَ إِذَا دَخَلُوْا قَرْيَةً أَفْسَدُوْهَا وَجَعَلُوْا أَعْزَةً أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَكَذَالِكَ يَفْعَلُوْنَ (۳۴)

وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُوْنَ (۳۵)

فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانُ قَالَ أَتُمِدُّوْنَ بِمَالِ مِمَّا آتَيْنِ اللّٰهُ خَيْرٌ مِّمَّا آتَيْتَكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُوْنَ (۳۶)

این آیات از این منظر که باعث اسلام آوردن فردی که در سلطه کفر است می‌شوند، جزء افتخارات قرآن است. به این گونه آیات جنگ نرم گفته می‌شود زیرا مذاکره و گفت‌وگو سازی جای جنگ و خونریزی را گرفته است. افراد یاد شده در این آیات علیرغم اینکه مربوط به چند هزار سال قبل هستند دارای ترقی فکر می‌باشند. این موضوع نشان می‌دهد که گذر زمان و تکنولوژی ترقی نمی‌آورد بلکه ترقی حاصل فطرت است. تکنولوژی اتفاقاً ضعف به همراه دارد.

ترکیب ظلم و علو بسیار خطرآفرین است. یعنی فردی که ظلم داشته باشد اما علو و برتری نجوید، احتمال هدایت دارد اما ترکیب این دو بسیار ضلالت‌آور است. در پاسخ به فردی که می‌خواهد ایمان در او جاری شود می‌توان گفت که تمرین عدم علو نماید و انسان متواضعی باشد. انسان باید مرتباً خود را در معرض نقد، اصلاح و حق قرار

دهد. باید موضع گیری و لجبازی را کنار بگذاریم. لجبازی خود به دو قسم آشکار و پنهان است که نوع پنهان آن به مراتب خطرناک تر است چرا که بعد از یک عمر، فرد می بیند که به خاطر لجبازی نه قرآن و حدیث خوانده و نه حقیقتی در قلب او جاری شده است. هر کدام از ما باید در بیست و چهار ساعت شبانه روز، حدود ده تا دوازده ساعت کار مفید انجام بدهیم که حداقل پنج ساعت آن باید صرف کارهای علمی شود. مهم تر از زمان آن، استمرار آن است یعنی حتی اگر روزانه نیم ساعت باشد اما هر روز تکرار شود. حال اگر فردی همین نیم ساعت را فروگذار کرد یعنی دچار علوّ مخفی شده است. علوّ عارضه ای است در انسان که برای اغوای او به اشکال متعدد و مختلف ظاهر می شود مثل کبر، بخل و... و یکی از راه های مقابله با آن توسل به «بسم الله الرحمن الرحیم» است. گاهی حتی علوّ به شکل ضعف در مدیریت و بی برنامه گی خود را نشان می دهد. بلندی و پستی دو مفهوم تزییدی هستند یعنی اگر در زمینه ای ضعف و پستی داریم، حتما در زمینه ی دیگر علوّ داریم.

انسان باید در حالت توازن و عدل باشد. نشانه و محصول عدل، رضایت است و علوّ حتما با نارضایتی همراه است.

دعا می کنیم به حق امام رضا (علیه السلام)، علوّ وجود ما گرفته شود و به جای آن عدل و توازن در وجودمان بیدار گردد.

تعمیل در فرج امام زمان (عج) صلوات